

ماہنامہ صحن
ماہنامہ مجاہدین

خاطرات مهاجرت

از دولت موقت کرمانشاہ تا کمیٹہ ملیون برلن

عبدالحسین شیبانی و حید الملک

به کوشش ایرج افشار ، کاوه بیات



برآورد حضرت همیشه آمیختگی

همیشه آمیختگی در تحت ربانیت حضرت از طرف لای نظام لفظی حضرت قدر از نظر
 شفق کریمه : شرح لفظ حضرت از طرف آقای نظام لفظی بیان فرموده در آمیختگی
 مرکز اسلحه برل و بر لنگر و کینه بهتر این آن بر کرد و این مراد لفظی در تمام خصوص می
 بر فرورد و سایرین مام در این از وضع دنیا کاغذ مسبق نه من عدت کما فیها
 در بر طرف منیر سایر و کلمات نظامی جلب شود از برای رسیدن به مقصد و تصمیم
 فرموده نه در فرورد بر دی فرستادن با اسلحه برل و برین تا سر فرورد و در
 زود آرد تا بقیام تا بریت محو رکنه شغریال بحقیقت شکر و از برای انجام این
 خدمت بقاء و جلا بطور و وجه ملک روئین و اثاب فروده نه - بقاء
 نایب کان حاضر (دعوا، آمیختگی نظامی) آمیختگی آمیختگی بقاء فوق آنده کرده
 آمیختگی فرستادن تا برین مراد بر آید و نظرات حضرت از طرف سخن
 فرموده که در هر چه زود آرد تا بقاء و حرکت که در نظایف تا بریت
 سرار نظامی صلوات

نخودشان در آن هستند نظامی
 نظامی مدرس

تمام کتاب
 کتب
 کتب

تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۱۴

نشر و پژوهش شیرازه



شیبانی، عبدالحسین، ۱۲۵۲-۱۳۴۲.

خاطرات مهاجرت از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن /

عبدالحسین شیبانی (وحیدالملک)؛ به کوشش ایرج افشار، کاوه بیات. - تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۸.

[۸۰۶] ص: مصور (رنگی)، نمونه، عکس. - (مجموعه تاریخ معاصر

ایران؛ ۱۴)

ISBN 964-6578-19-5: ۴۴۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).
کتابنامه: به صورت زیرنویس.

۱. شیبانی، عبدالحسین، ۱۲۵۲ - ۱۳۴۴. خاطرات. ۲. ایران - تاریخ -

قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. ۳. جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ - ایران. الف.

افشار، ایرج، ۱۳۰۴. - مصحح. ب. بیات، کاوه، ۱۳۳۳. - مصحح. ج. عنوان.

۹۵۵/۰۷۵۲۰۹۲

DSR ۱۴۶۲ / ۹ ش

۷۸-۵۱۷ م

کتابخانه ملی ایران



خاطرات مهاجرت

عبدالحسین شیبانی (وحیدالملک)

به کوشش: ایرج افشار و کاوه بیات

طراح جلد: علی خورشیدپور

حروفچینی: مؤسسه قصیده

چاپ: فاروس

صحافی: صحافی کتاب

چاپ اول: بهار ۷۸

تعداد: ۲۲۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۳۸ / ۱۹۳۹۵

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

شابک ۹۶۴-۶۵۷۸-۱۹-۵ ISBN 964-6578-19-5

فهرست

یادداشت	۵
وحیدالملک و مهاجرت	۱۱
پیشگفتار نویسنده	۱۵
۱ از تهران تا قصر شیرین	۲۱
۲ از قصر شیرین تا بغداد	۴۸
۳ از بغداد تا استانبول	۷۶
۴ استانبول	۱۰۱
۵ ورود به برلن و مذاکرات مقدماتی	۱۳۴
۶ نخستین روزهای توقف در برلن	۱۶۷
۷ آلمانها حاضر به [قبول] تعهدات رسمی با حکومت موقتی نیستند	۲۱۰
۸ ورود امریکا به جنگ	۲۴۷
۹ تحولات به نفع متفقین	۲۸۴
۱۰ شرکت در کنفرانس استکهلم	۳۰۹
۱۱ پایان مافرت استکهلم	۳۴۷
۱۲ حملات متفقین در فرونت فلاندر و ایتالیا	۳۸۵
۱۳ پیشرفت آلمانها	۴۳۰
۱۴ مقدمه پایان جنگ با روسیه	۴۶۸
۱۵ متارکه جنگ متفقین با آلمان	۵۳۲
۱۶ تجدید مذاکرات متارکه جنگ و مقدمات صلح میان آلمان و متفقین	۵۷۰

۶۰۵	اختلافات سیاسی متفقین در کنفرانس آینده	۱۷
	بسط انقلاب اشتراکی و سختی	۱۸
۶۳۹	وضع زندگی در اروپای مرکزی	
۶۸۱	مقدمه صلح و انعقاد عهدنامه	۱۹
۷۰۸	ضمائم	۲۰
۷۴۲	سالشمار توضیحی	
۷۵۷	فهرست اعلام	
۷۸۳	تصاویر	

یادداشت

خاطرات مهاجرت بازنوخته تقریرات عبدالحسین شیبانی ملقب به وحیدالملک است از وقایع و سوانح ایامی که در دوران مهاجرت سیاسی سال ۱۳۳۴ هجری قمری بر او گذشته است. از هنگام حرکت از تهران به همراه قافله مهاجرین به سوی قم و تشکیل دادن کمیته دفاع ملی در آنجا و سپس عزیمت به کرمانشاه و تشکیل شدن هیأت حکومت موقتی و پس از آن تشکیل دادن جمعیت مدافعین وطن در قصر شیرین، و پس از آن ورود به بغداد و استانبول که منجر به فرستادن او به نمایندگی آزادیخواهان و مهاجرین به برلین شد. وی حدود سه سال در آن شهر اقامت داشت. درباره کیفیت مهاجرت و اهمیت این خاطرات در تبیین آن قضیه، دوست و همکارم کاوه بیات در گفتار خود آنچه را در بایست بوده است به قلم آورده است. همچنین مراجع مرتبط به آن جریان را نشان داده است.

این متن همانطور که اشاره شد تحریرات عبدالحسین شیبانی است از قضایای مهاجرت براساس یادداشتهای روزانه‌ای که در دوران مهاجرت ضبط و آن را پیش از ترک اروپا در یکی از بانکهای هلند به امانت گذاشته بود. او چنان که خود نیز اشاره کرده است حدود چهل سال پس از آن واقعه (در دوران کهولت) به صرافت می‌افتد که یادداشتهای قدیمیش به رشته تحریر درآید و آمادگی چاپ پیدا کند. بدین منظور مطالب را از روی دفاتر پیشینه خود (که متأسفانه اکنون اثری از آنها نیست) تقریر و یکی از معاشرائش (احتمالاً از دانشجویان قدیمش) گفته‌های او را تحریر می‌کرده است.^۱ ناچار در چنین نگارشی بعضی افتادگیها

۱. از نشانه‌هایی که این تقریرات در سالهای پسینۀ زندگی وحیدالملک تهیه شده بودند

خاطرات مهاجرت

(مخصوصاً در طرز صرف افعال) پیش آمده است و در این چاپ کوشیده شده است که آن گونه تسامحات از میان برده شود.

این متن به اجازت دختر صاحب کمال و فرزانه مرحوم وحیدالملک، سرکار خانم ایران (کتایون) شیبانی (فرهودی) که سالهایی چند از همکاری دلسوزانه ایشان در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران برخوردار بودم، به چاپ می‌رسد و خانم مریم فرسود (نوه مرحوم وحیدالملک) هم در تهیه فتوکپی از عکسها و اسنادی که در اینجا چاپ شده است ما را یاری داده‌اند.

* * *

عبدالحسین شیبانی از رجال سیاسی و استادان دانشگاهی ایران است. تحصیلات عالی او در انگلستان انجام شد و چندی سمت دستکاری پرفسور ادوارد براون^۱ را در دانشگاه کمبریج برعهده داشت. سوانح احوال او به‌طور سالشماری چنین است.

۱۲۹۲ ق (۱۲۵۲ ش) - تولد در کاشان - فرزند میرزا آقاخان^۲

- تحصیل مقدماتی در کاشان

- تحصیل مدرسه‌ای در دارالفنون

- سفر به هندوستان و تحصیل زبان انگلیسی

(حدود شش سال)

۱۳۱۶ ق - سفر به انگلیس و تحصیل در دانشگاههای لندن و

ورود کلماتی است چون شهربانی، شهرداری، افسر، ترکیه، فرهنگی، و عنوان امیرشکر در مورد حبیب‌الله‌خان شیبانی (او در ۱۹۱۷ هنوز به مرتبه امیرشکری نرسیده بود).

۱. پس از او شیخ حسن تبریزی، حین کاظم‌زاده ابرانشهر، ذبیح بهروز، دکتر عیسی صدیق دستیار براون بوده‌اند.

۲. برای سلسله خاندان شیبانی (محمد حین‌خانی) نگاه کنید به:

- تاریخ کاشان (مرآة کاشانی) تألیف عبدالرحیم کلاتر ضرابی به انضمام یادداشت‌هایی از اللهبیار صالح. به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۴۱). ص ۲۸۸ - ۳۹۴.

- تاریخ شیبانی شرح حال طایفه شیبانی. تألیف علی محمد مجیرالدوله. (تهران، ۱۳۲۱). ص ۸۲ - ۸۴ درباره وحیدالملک و برادرانش.

- خاندان شیبانی، تألیف رحمت‌الله شیبانی. به اهتمام فرامرز طالبی. (تهران، ۱۳۷۱). ص ۲۰۹ و مخصوصاً ۲۷۳ - ۲۷۵ که اختصاصاً شرح حال اوست.

کمبریج حدود هشت سال (رشته تاریخ و حقوق) و ضمناً دستیاری پرفسور ادوارد براون در تدریس زبان فارسی.

- ۱۳۲۴ ق — بازگشت به ایران و اخذ لقب وحیدالملک (پس از وفات برادرش علی که لقب وحیدالملک داشت)
- تدریس زبان انگلیسی و حقوق در دارالفنون و مخبری روزنامه تأیمز.
- ۱۳۲۷ — عضویت محکمه‌ای که پس از فتح تهران تشکیل شد.
- ۱۳۲۸ — ازدواج با مریم شیبانی دختر ندیم‌الدوله^۱
— نمایندگی در مجلس دوم از تهران
— عضویت حزب دمکرات - عضویت شورای معارف
- ۱۳۳۱ — سفر اجباری یک‌سال و نیمه فرنگ (پس از اولتیماتوم روس) در دوره نیابت سلطنت ناصرالملک
- ۱۳۳۲ — نمایندگی در مجلس سوم از تهران
- ۱۳۳۴ — مهاجرت به قم و تشکیل کمیته دفاع ملی مرکب از سلیمان میرزا اسکندری، سید محمد رضا مساوات، محمد علی کلوب و وحیدالملک
— مهاجرت به کرمانشاه و سپس قصر شیرین و تشکیل جمعیت مدافعین وطن
— عزیمت به بغداد و استانبول

۱. فرج‌الله ندیم‌الدوله ده فرزند داشت که اشهر همه حبیب‌الله‌خان شیبانی است.

- عزیمت به آلمان به عنوان نماینده مهاجرین^۱
 — عزیمت به استکهلم برای شرکت در کنگره^۲ (شوال) ۱۳۳۵
 — سوسیالیستها و اعلام مظلومیت ایران^۳
 — عضویت در انجمن آلمان و ایران که در برلین
 تشکیل شد^۴
 — حرکت از برلین به لاهه و سپس لندن (۲۷ اوت
 ۱۹۱۹) و عاقبت به سوی ایران (۱۱ اکتبر ۱۹۱۹)^۴
 — نمایندگی در مجلس چهارم از تبریز
 — ادامه تدریس در دارالفنون و همچنین تدریس و
 ریاست مدرسه علوم سیاسی
 — وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (در
 کابینه سردار منصور)
 — وزیر پست و تلگراف (در کابینه قوام السلطنه)
 خرداد - بهمن ۱۳۰۱

۱. در مجله کاوه ورود وحیدالملک در شماره ۱۲ (ذی القعدة ۱۳۳۴) مندرج است و تبریک گفته شده. اخبار مربوط به مهاجرین در اغلب شماره‌های کاوه درج شده و از منابع است.

۲. تاریخ رفتن و بازگشتن سیدحسین تقی‌زاده و وحیدالملک از برلین به استکهلم را مرحوم محمد قزوینی از یادداشتهای دوره اقامت برلین (یادداشتهای قزوینی، جلد نهم، ص ۱۸۲ و ۱۸۳) ضبط کرده و چون وحیدالملک در یادداشتهای خود ذکر از حضور تقی‌زاده در استکهلم ندارد آن تواریخ از یادداشتهای قزوینی نقل می‌شود.

- تاریخ حرکت تقی‌زاده ۲ ژوئن ۱۹۱۷
 — تاریخ حرکت وحیدالملک ۲۴ ژوئن ۱۹۱۷
 — تاریخ مراجعت وحیدالملک ۱۴ اوت ۱۹۱۷
 — تاریخ مراجعت تقی‌زاده ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۷

۳. نگاه کنید به عکس ورقه مربوط به تشکیل انجمن و اسامی اعضای آن که در اوراق اولیه تجدید چاپ مجله کاوه (تهران، ۱۳۵۵) به چاپ رسانده‌ام.

۴. مرحوم قزوینی نوشته است: «۲۷ اوت - مراجعت وحیدالملک از لاهه که از آنجا به لندن رفته بود به قصد مراجعت به ایران و آنجا به گیر پولیس مخفی انگلیس افتاده و استنطاق شده و بعد از انگلستان اخراج شده بوده است» (یادداشتهای قزوینی، ۲۱۶:۹)

۱۱ خرداد ۱۳۰۶	— وزیر فواید عامه (در کابینهٔ مخبرالسلطنه)
تا ۲۹ آبان ۱۳۰۷	
۱۳۰۶ به بعد	— استادی در دانشسرای عالی و سپس دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران
۱۳۱۱ - ۱۳۱۵	تألیف و نشر تاریخ عمومی قرون وسطی (سه جلد)
۱۱ بهمن ۱۳۴۲	درگذشت در تهران ^۱

این کتاب به‌طور کلی حاوی دوگونه مطلب است. قسمتی عبارت است از آنچه مربوط می‌شود به مهاجرت و تحولات آن، و قسمتی هم افرادی که در آن جریان سیاسی دخیل بودند. در این مبحث گاهی به اخلاق و رفتار افراد هم پرداخته است. از جمله در مورد سلیمان میرزا می‌گوید «شاهزاده سلیمان میرزا با روش تند و حسن نیتی که داشت اغلب کارها را به سلیقهٔ خود انجام می‌داد و کمتر در امور با کمیته مشورت می‌نمود» (ص ۲۳). جای دیگر نوشته است «شاهزاده اسکندری تقصیری نداشت و برای چنین کاری ساخته نشده بود و انگهی همیشه گرفتار احساسات تند بود و از تظاهرات در تندی بی‌میل نبود... خود شاهزاده به مادیات علاقه نداشت و از جادهٔ صحت منحرف نمی‌گردید» (ص ۳۰). و یا در مورد عبدالحسین میرزا فرمانفرما که می‌نویسد: این شاهزاده هیچ‌وقت نظر خوش به ملیون نداشت» (ص ۲۷). ولی اصولاً توجه

۱. سرگذشت وحیدالملک به‌جز آنکه در تاریخ شیبانی (از مجیرالملک شیبانی) و خاندان شیبانی (از رحمت‌الله شیبانی) آمده است در مراجع دیگری هم مندرج است از جمله: فرهنگ رجال ایران. از جورج چرچیل. ترجمهٔ غلامحسین میرزا صالح. (تهران، ۱۳۶۹). ص ۲۰۹؛ رجال عصر مشروطیت. از ابوالحسن علوی. به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار. (تهران، ۱۳۶۳). ص ۱۲۷ - ۱۲۸؛ مؤلفین کتب چاپی (فارسی و عربی). از خانبابا مشار. جلد سوم. (تهران، ۱۳۴۱). ص ۷۳۸ - ۷۳۹؛ اعزام محصل به خارج. از غلامعلی سرمد. (تهران، ۱۳۷۲). ص ۴۷۴ - ۴۷۵؛ زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران. از حسن مرسلوند. جلد چهارم (تهران، ۱۳۷۴). ص ۱۴۳ - ۱۴۴ و سراب زندگی. از منوچهر ریاحی (تهران، ۱۳۷۱). ص ۱۲۵ - ۱۴۷.

مؤلف به نفس وقایع است و از افراد به ندرت تحسین یا انتقاد می‌کند. یکی از مواردی که جای رسیدگی و پی‌جویی دارد این است که چرا از تقی‌زاده به تصریح نام نمی‌برد و ظاهر این است که هر جا گفته است «یکی از رؤسای ملیون» بی‌گمان منظورش تقی‌زاده است. نگاهی به این‌گونه موارد^۱ جای تردید نمی‌گذارد که همه اشارات به شخص تقی‌زاده است نه دیگری مخصوصاً در صفحه ۶۴۴ که می‌نویسد یکی از حضار دربارهٔ تبدیل تقویم صحبت کرد، هرگونه شبهه‌ای را می‌زداید و در میان ایرانیان کسی جز تقی‌زاده نبوده است که به مباحث گاه‌شماری علاقه‌مندی داشته باشد.^۲

میان اسناد بازمانده که چاپ شده است آنکه به امضای عده‌ای از ایرانیان مقیم برلین است امضای تقی‌زاده هم دیده می‌شود و در عکسهایی که از مجمع ایرانیان و همچنین انجمن آلمان و ایران برداشته شده تقی‌زاده و وحیدالملک هر دو هستند.



این یادداشت با سپاسگزاری از کتابیون شیپانی و یاد از برادرش دارا شیپانی که سالها در مدرسهٔ ابتدایی زرتشتیان و دبیرستان فیروز بهرام همکلاس بودیم به پایان می‌رسد.

بیست و هفتم بهمن ۱۳۷۷
ایرج افشار

۱. برای نمونه بنگرید به ص ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۳-۷، ۲۱۰، ۲۱۰-۹، ۲۳۶، ۲۷۸ و ۲۸۳.
۲. در یادداشت‌های مرحوم قزوینی ضمن اخبار یکشنبه دهم نوامبر ۱۹۱۸ آمده است: «بعد از ظهر ساعت پنج به خانهٔ تقی‌زاده رفتیم و آنجا آقایان علوی و وحیدالملک و تربیت بودند. قدری در خصوص این اوضاع گفتگو کردیم» (ص ۲۰۱).

وحیدالملک و مهاجرت

هنگامی که در تابستان ۱۹۱۴ میلادی / ۱۳۲۲ هجری قمری با پیشامد جنگ اول جهانی، در کنار دیگر قدرتهای جهانی، روس و انگلیس، دو دشمن اصلی آزادی و استقلال ایران نیز درگیر یک زد و خورد مهیب و گسترده شدند، اهمیت و اغتنام چنین فرصتی بر هیچ‌یک از نیروهای سیاسی کشور پنهان نماند. با توسعه تدریجی دامنه جنگ، بخش مهمی از این نیروها که طیف وسیع و متنوعی از شخصیت‌های سیاسی ایران را شامل می‌شد به حساب برخورداری از حمایت مادی و معنوی دولتهای آلمان و عثمانی بر ضد روس و انگلیس وارد عمل شدند. نهضت مهاجرت که با خروج این بخش از نیروهای سیاسی کشور از تهران در محرم ۱۳۳۴ آغاز و با تشکیل دولت موقتی نظام‌السلطنه مافی در غرب ایران به نقطه اوج خود رسید، مهمترین حرکتی بود که در این زمینه صورت گرفت. اطلاعات موجود از کم و کیف این حرکت تاریخی به هیچ‌وجه اطلاعات جامعی نیست. خاطرات ادیب‌السلطنه سمیعی و حاج عزالممالک اردلان^۱ و همچنین خاطرات دیوان بیگی^۲ در این زمینه اگرچه از مهمترین منابع موجود در باب مهاجرت به‌شمار می‌آیند ولی فقط گوشه‌هایی از این حرکت گسترده،

۱. حسین سمیعی، (ادیب‌السلطنه) و امان‌الله اردلان، (حاج عزالممالک)، اولین قیام مقدس ملی در جنگ بین‌الملل اول، تهران: این‌سینا، ۱۳۳۲.

۲. دیوان بیگی، رضاعلی، سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی، تهران، ۱۳۵۱.

آن‌هم بیشتر در توضیح مراحل اولیه کار را دربر می‌گیرند. دیگر نوشته‌های پراکنده‌ای نیز که در این زمینه در دسترس قرار دارند، مانند قسمتهایی از خاطرات یحیی و علی محمد دولت‌آبادی^۱ و یا نوشته‌های برجای مانده از سید یعقوب انوار^۲ نیز وضعیت مشابهی دارند.

خاطرات مهاجرت میرزا محمد علی خان شیبانی و حیدالملک نیز اگرچه مانند دیگر منابع موجود در این زمینه فقط بخشی از تحولات دوره مهاجرت را دربر می‌گیرد، ولی در مقایسه با این نوشته‌ها تحولات و رخدادهایی را شامل می‌شود که تاکنون در مورد آنها نوشته‌ای چنین جامع و ممتع در دست نبود. گذشته از بخشهای اولیه خاطرات و حیدالملک که به چگونگی خروج مهاجرین از تهران و نحوه شکل‌گیری نهضت در قم و اصفهان و بالاخره دوران کوتاه استقرار آنها در کرمانشاه می‌پردازد، که آن نیز به نوبت خود از لحاظ تاریخی نکات ناگفته فراوانی دربر دارد، بخش اصلی خاطرات به توضیح و توصیف آن بخش از مذاکرات و مناسبات سیاسی عالی با دولتهای آلمان و عثمانی اختصاص دارد که تاکنون در هیچ‌یک از منابع ایرانی موجود منعکس نبوده‌اند. در واقع مهمترین مأخذی که این بخش از مناسبات سیاسی نهضت مهاجرت را با دولتهای هم‌پیمان نهضت، یعنی عثمانی و آلمان مورد توجه داشته کتاب گرانقدر اولریخ گرکه ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول است که خوشبختانه ترجمه فارسی آن نیز اخیراً منتشر شده است.^۳ خاطرات و حیدالملک که روایت ایرانی امر است نه فقط مکمل مباحث مطرح‌شده در کتاب گرکه به‌شمار می‌آید که به نوعی جوانب یک‌جانبه این گزارش آلمانی را نیز تصحیح می‌کند. درست است که مهاجرین به گونه‌ای که در اغلب منابع آلمانی منعکس است در بسیاری از موارد با مطامع ارضی و سیاسی نه‌چندان مخفی

۱. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ۴ ج، تهران: انتشارات عطار و فردوس، ۱۳۶۱، ج ۳ و ۴، صص ۲۶۹ - ۲۹۱ و ۷۷ - ۹.

۲. انوار، یعقوب، «یادداشتهای آقا سید یعقوب انوار»، اطلاعات هفتگی، بهمن - اسفند ۱۳۳۱.

۳. اولریخ گرکه، پیش به سوی شرق، ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری، تهران: انتشارات کتاب سیامک، ۲ ج، ۱۳۷۷.

هم‌پیمان خود، دولت عثمانی مشکل داشتند، ولی چنان‌که از خاطرات وحیدالملک و شرح تلاشهای او برای واداشتن آلمانی‌ها به تضمین و تحقق خواسته‌های ایران برمی‌آید، دولت آلمان نیز آن هم‌پیمان مطلقاً بی‌نظر و کاملاً صادق که وانمود می‌کرد نبود.

یکی دیگر از ویژگیهای خاطرات مهاجرت که مخصوصاً در بخشهای پایانی کتاب خود را نشان می‌دهد آن است که وحیدالملک فقط به ثبت رویدادها و شرح ماوقع اکتفا نکرده است، سعی در نقد و تحلیل این رخدادها نیز دارد. طرح پرسشهایی چون این موضوع که آیا تمام‌شدن جنگ به نفع آلمان و متحدانش می‌توانست به نفع ایران باشد - در سرآغاز فصل پانزدهم کتاب - و یا این که در آستانه فروکش این تحولات ایران چه خط مشی‌ای را می‌بایست درپیش گیرد و پرسشهای مشابهی که در نقد و ارزیابی سیاستهای ملیون مطرح شده است، هر یک از توجه و احساس مسئولیتی تاریخی حکایت دارند که به‌ندرت در سایر خاطرات برجای مانده از دیگر رجال سیاسی ایران معاصر ملاحظه می‌شود.

در آماده‌سازی متن خاطرات وحیدالملک برای انتشار نکاتی چند ملحوظ گردید که ذکر پاره‌ای از آنها ضروری است؛ نخست آنکه در پاره‌ای از موارد ثبت اسامی رجال و اماکن خارجی، با صورت اصلی آنها تفاوتی داشت، از این رو پس از مطابقت این اسامی با ضبط لاتین آنها - که در فهرست اعلام کتاب منعکس شده‌اند - این موارد تصحیح شدند.

وحیدالملک در حاشیه خاطرات خود به پاره‌ای از رخدادهای وقت در جبهه‌های جنگ اروپا یا تحولات ایران اشاره دارد که در پاره‌ای موارد توضیح بیشتری طلب می‌کردند. در اینگونه موارد نیز سعی شد به‌جای افزودن پاورقیهای طولانی در حاشیه کتاب، توضیحاتی مطابق با ترتیب سنواتی رخدادها و تحولات مزبور فراهم آید و حاصل کار به‌صورت یک «سالشمار توضیحی» در بخش پایانی کتاب ضمیمه شود.

کاوه بیات

اسفند ۷۷

پیشگفتار نویسنده

زمانی که جنگ اول عالمگیر این قرن با نهایت شدت در جریان بود و دول روس و انگلیس و فرانسه و مؤتلفین آنها بر ضد دول آلمان و اتریش و متحدین آنها در میدان جنگ و خونریزی مبارزه می‌کردند و کشور عزیز ما تحت تاخت و تاز قرار گرفته نیروی متجاوز روس به نزدیکی پایتخت سلطان احمد شاه قاجار در حرکت بود و بیم آن می‌رفت که هر چه زودتر تهران را تحت اشغال آورده، مرکز آزادی و استقلال کشور را برطرف سازد جمعی از وجوه ملیون من جمله نگارنده و عده‌ای از نمایندگان دوره سوم مجلس شورای ملی با اطلاع خصوصی رئیس دولت وقت مرحوم مستوفی‌الممالک که از رجال نیک و نامی دوره دموکراسی ایران به شمار رفته تصمیم گرفتیم از تهران به طرف جنوب حرکت کرده بلکه موقتاً مرکز امن‌تر و آرام‌تری به دست آورده، مسائل آتیۀ خودمان را کاملاً تحت مذاقه و مباحثه بگذاریم. فرضاً اگر آلمان و متحدین آن شکست خورده، مغلوب از میدان خارج شدند و روس و انگلیس و مؤتلفین آنها پرچم پیروزی برافراشته اوضاع ما چه خواهد بود؟ به چه ترتیب خودمان را حفظ خواهیم کرد؟ دولت عثمانی آن روز چه صورتی به خود خواهد گرفت؟ آیا با مظفریت قطعی آلمان و متحدین آن دولت، روش ایران چه خواهد بود؟ آیا ما خواهیم توانست منافع خودمان را کاملاً حفظ کنیم؟ آیا آلمانها با ما موافقت خواهند داشت؟ آیا آنها حاضر خواهند بود استقلال ما را ضمانت کنند؟ آیا آنها با عثمانیها قراردادی مخالف استقلال ما منعقد نموده‌اند؟ آیا عثمانیها نظری مخالف استقلال ما

نداشته و اقدامی علیه ما نخواهند کرد؟ از این سؤالات زیاد بود که جوابش خیلی آسان نبود، بخصوص در آن تنگنای زمان.

ما آزادی خواهان، نمایندگان دموکرات مجلس شورای ملی، چه می خواستیم؟ ما پیوسته برای حفظ استقلال کامل خودمان می کوشیدیم. ما معتقد بودیم که سرنوشت ایران را کاملاً در دست خودمان نگاه داریم. ما آرزومند بودیم دارای کشوری آزاد و مستقل و مترقی باشیم. ما می خواستیم ایران را با تمدن امروزی کاملاً مربوط سازیم. ما مایل بودیم میهن خودمان را به معنویات و فرهنگ امروزی نزدیک آوریم و استقلال مملکت را با سرفرازی خودمان حفظ کنیم و نگذاریم خارجی در امور داخلی ما مداخله نماید. ما خودمان می بایستی نیروی انتظامی کشور را تحت تسلط خود داشته باشیم. ما می خواستیم اوضاع استبداد قرون وسطی را از میان خود براندازیم و با وحدت کامل میان خود زندگی کنیم.

ما مجاهدت می کردیم که با تمام ترقیات امروزی، ایرانی بمانیم و معنویات نژادی ایرانی را با دموکراسی حقیقی توأم سازیم. ما اصولاً [می خواستیم] در حفظ قومیت محافظه کار و در پیشرفت امور و بسط و ترقی از ملل امروزی جهان به شمار رویم. ما نمی خواستیم در شاهراه ترقی و تعالی و حفظ حدود و ثغور مملکت احساسات ملی خود را پنهان نگاه داریم. ما برای استقرار حکومت مستقل و آزاد می کوشیدیم ولی متأسفانه نفوذ خارجی بخصوص در آن زمان که جنگ عالمگیر در جریان بود نمی گذاشت دولت ایران آن طور که ما می خواستیم در حفظ امنیت و آرامش کامیابی حاصل نماید. ما آرزو داشتیم آزادانه در بسط بازرگانی و کشاورزی از سرچشمه های ثروت مملکت استفاده نماییم. ما طالب کشمکشهای داخلی نبودیم ولی استقرار دموکراسی بدون کشمکش و فداکاری فراهم نگردد و دست تطاول خارجی از دامن کشور ضعیفی مانند ایران کوتاه نشود.

مسائل گفته شده پیوسته در جلوری ما قرار داشت ولی با پیشامدهای ناگوار و